

می‌زنند.

• ترمیم نواقص و مشکلات مربوط به قوانین کار و اشتغال، انعطاف در تعیین دستمزدها بر اساس بهره‌وری و ارزش افزوده نهایی نیروی کار به جای دستمزدهای دستوری سالانه که علاوه بر تشدید مشکلات کارفرما، مانع پیشرفت نیروی کار بهره‌ور هم می‌شود و اصلاح قانون کار به نحوی که پشتیبان هر دو طرف باشد.

• بازبینی در قوانین نابجای داخلی و تسهیل شرایط ایجاد، تأسیس و توسعه کسب و کار

صنعتی که نای رقابت ندارد

حریف قدر و زور آزمایی نابرابر

مشکل اصلی صنعت، سایه سنگین دولت بر آن است.

بیش از یک دهه است که صادرات غیرنفتی ایران به خصوص در بُعد محصولات صنعتی رشد زیادی را تجربه کرده است که این هم به خاطر رویکرد صنعت محور کشورمان در خلال سال‌های گذشته است. اما مشکلات زیادی که در پیش روی صنعت ایران قرار دارند، طراوت و صلابت را از آن دور کرده‌اند. اهمیت این مسأله از آن جهت است که صنعت بخش زیادی از تولیدات و البته اشتغال کشور را در اختیار دارد. قطعاً توجه بیشتر به صنعت، ضمن فراهم سازی توسعه اقتصادی، زمینه ساز جذب بخشی از نیروی بیکار فعلی جامعه به بازار کار خواهد بود.



در حال حاضر، ۴۵/۲ درصد کل محصول ناخالص داخلی (GDP) کشور در اختیار بخش صنعت اعم از تولیدات صنعتی، معادن و خدمات عمومی (آب، برق، تلفن و امثالهم) قرار دارد. همچنین ۳۱/۸ درصد نیروی کار شاغل در اقتصاد کشور در این بخش جای گرفته‌اند که در قیاس با کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه یافته، رقم بالایی است.

گفتنی است هم‌اکنون استان‌های یزد، اصفهان و قم صنعتی‌ترین استان‌های کشور به شمار می‌روند که به ترتیب نرخ‌های ۴۳/۹، ۴۱ و ۴۰/۳ درصد از نیروی کار این استان‌ها در بخش صنعت فعالیت می‌کنند.

چرا صنعت توسعه یافته نداریم؟

به هر کجای این خاک که نگاه می‌کنیم، منابعی را

• تلاش واقعی جهت رفع رکود اقتصادی با بکارگیری صحیح ابزارهای آن.

• لزوم بازنگری در نظام مالیاتی و رفع نقایص آن.

• شفافیت اطلاعات، انحصار زدایی و تسریع در ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد.

مشکلات در صنعت کشورمان، شاید گسترده باشند، اما لاینحل نیستند و یقیناً اگر در کارهایمان درایت داشته باشیم و از اندیشه نخبگان اقتصادی استفاده کنیم، می‌توانیم بر آنها فائق آییم. ■

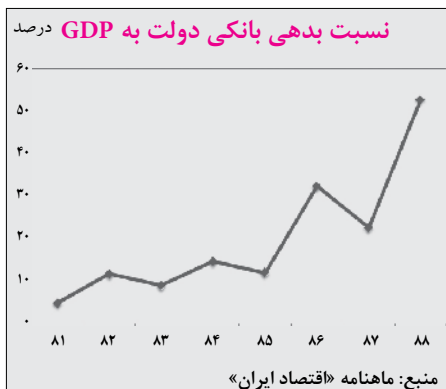
است. ریسک ناپذیری بخش دولتی هم از آنجا نشأت می‌گیرد که نیروی کار شاغل در این بخش - اعم از مدیر و زیر دست - نمی‌خواهد با قبول ریسک، امنیت شغلی خود را به خطر بی‌اندازد. همچنین وقتی صنعت در اختیار دولت باشد، درگیری و دخالت دولت در اقتصاد، فرصت رسیدگی به وظایف اصلی را از آن سلب می‌کند. یعنی اگر دولت بخواهد خود تولید کند، بازاریابی کند و در نهایت به فروش محصول تولیدی در داخل و خارج همت گمارد، دیگر وقت و حوصله‌ای برای حمایت از صنعت‌گر، ارائه تسهیلات به آن، ترمیم زیرساخت‌ها و رفع مشکلات اقتصادی نخواهد داشت. در نتیجه عاقبت آن خواهد شد که علاوه بر تداوم ناپایداری اقتصادی، اعتماد و رضایت بخش خصوصی و مردم هم نسبت به دولت و عملکرد آن کم‌رنگ می‌شود.

البته بیان این مشکلات به معنای چشم پوشی از موفقیت‌هایی که صنعت کشورمان به آن دست یافته نیست، بلکه مقصود آن است که با آسیب شناسی مشکلات، راه توسعه صنعتی کشورمان هموار گردد.

صف برای پول

بحث دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، به نحوه تأمین مالی بخش دولتی و رقابت غیراقتصادی آن با بخش خصوصی برمی‌گردد. در خلال سال‌های اخیر، همواره شاهد افزایش بدهی دولت به سیستم بانکی بوده‌ایم. این موضوع علاوه بر آن که بانک‌ها را در ارایه وام و تسهیلات به صنعت در مضیقه قرار می‌دهد، مشکلات بخش خصوصی را هم به دلیل تأمین مالی از بازار آزاد بیشتر می‌کند. بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، بدهی دولت به سیستم بانکی در پایان سال گذشته معادل ۱۹۲ تریلیون و ۶۷۹ میلیارد ریال بوده که رشدی ۶۷ درصدی را نسبت به سال قبل از آن تجربه کرده است.

البته با توجه به این که بخش عمده‌ای از اقتصاد کشور ما وابسته به دولت است و قسمت زیادی از GDP کشور توسط این بخش حاصل می‌گردد، درست آن است که تغییرات نسبت بدهی دولت به سیستم بانکی را به مورد ارزیابی قرار دهیم. اگر این شاخص روندی نزولی را طی کرده باشد، حتی می‌توان گفت افزایش بدهی‌های دولت در



بزرگی از اقتصاد ایران در اختیار دولت، شرکت‌های دولتی، نهادهای وابسته به دولت و شبه دولتی‌ها است. انحصار از هر نوع بد است و راه توسعه اقتصادی را سد می‌کند. اگر انحصار از سوی دولت باشد، زمانی که صنایع نیازمند حمایت هستند، پشتیبانی از آنها - به دلیل آن که در اختیار بخش دولتی می‌باشند و کارایی لازم را در عملکرد خود ندارند - فایده‌ای نخواهد داشت. مسأله اصلی که در خصوص دولت محور بودن اقتصاد اشکال دارد، بهره‌وری اندک نیروی کار (کارمند و کارگر)، سرمایه - و حتی در نگاهی کلی‌تر مدیران دولتی - است.

مدیران دولتی و به طور کلی اقتصاد دولتی درجه ریسک‌پذیری پایینی دارند و این مسأله باعث می‌شود پویایی، نبوغ و خلاقیت از چهره اقتصاد رخت بربندد و حاصل کار، آن چیزی نباشد که برای آن برنامه ریزی شده

نحیف و "بی بنیه"

ارزیابی مهندس علی اصغر بهنام نادری، مدیر امور اقتصادی و بین الملل شرکت احداث صنعت

نظام بانکی چشم بپوشیم. سیستم بانکی در کشور ما روان نیست و این معضل باعث می شود زمانی که تولید کننده به یاری نظام بانکی نیاز دارد، نظام بانکی نتواند در زمان مورد انتظار به کمک تولید کننده بشتابد. علاوه بر این، چنین سیستمی باعث طولانی شدن فرآیند تولید و در نتیجه، افزایش قیمت تمام شده می شود که این مورد،



اگر بخواهیم نگاه کلی به مشکلات صنعت در کشور داشته باشیم، باید به مسأله تغییرات مداوم، بسیار زیاد و کوتاه مدت قوانین در کشور اشاره کنیم. این تغییرات باعث شده اند که بسیاری از شاخصه ها و ورودی ها برای صنعت گر ایرانی کاملاً مشخص نباشند و به تبع آن نتواند کنترلی روی وضعیت موجود داشت.

چرخه تورم و مشکلات تولیدی را تشدید می کند. بخش دیگری از مشکلات به برخی از تولید کنندگان برمی گردد. در کشور ما صاحبان سرمایه، عموماً فرهنگ تحمل فرآیند تولید را ندارند. برای یک مکانیزم تولیدی - از طرح کسب و کار و مجوزهای اولیه گرفته تا اجرا و ساخت آن - باید زمانی سپری شود که هدف به بار بنشینند. منتهی این تحمل پذیری در نظام تولیدی ما وجود ندارد. البته در همین زمینه، آیین نامه ها و قوانینی در کشور وجود دارند که انگیزه تولید را از تولید کننده می گیرند.

بحث دیگری که در خصوص وضعیت تولیدی در کشور مطرح است، نظام مالیاتی است. در این باره، اگر چه نقیصه هایی وجود دارند، اما اگر منصفانه قضاوت کنیم، باید اذعان کنیم که چندان هم با کشورهای هم تراز خود تفاوت نداریم. مشکل آنجا است که ما از قدیم، نسبت به چنین رویکردی غریبه بوده ایم و اکنون که می خواهیم از اقتصاد نفتی فاصله بگیریم، تا حدی برایمان سخت بوده و به ما فشار وارد می کند.

راهکارهای برون رفت

در حال حاضر، با توجه به دنیای امروزی که یک دنیای مدرن با خواسته های مدرن است، باید نسبت به اصلاح قوانین موجود در صنعت که مربوط به ۴۰ تا ۵۰ سال گذشته و عاملی دست و پاگیر برای صنعت گران می باشند اقدام نماییم. باید بسترها را آماده کنیم و با توجه به نیاز روز جلو رویم. علاوه بر این، بخش خصوصی کشور هم باید تفکر سنتی خود را کنار بگذارد. ما در حال حاضر، بخش خصوصی پُرتوان و به اصطلاح "جان و بنیه دار" نداریم. اگر بخش خصوصی ما با اتکا به خود و یا حداقل ۲۰ درصد اتکا به منابع بانکی و کمک دولتی به سمت تولید روی بیاورد، بسیاری از مشکلات ما رفع می شوند.

اگر بتوانیم نسبت به ثبات قوانین اقدام نماییم، بسیاری از مشکلات بخش صنعت حل می شوند.

به عنوان مثال، در خلال ماه های اخیر شاهد کنترل سطح عمومی قیمت ها - یکی از معضلات بخش تولیدی در ایران - بوده ایم که این مسأله به عدم تغییر قوانین باز می گردد.

البته گفتنی است سیاست های انقباضی کشور، خود تأثیر زیادی بر وضعیت عدم افزایش تورم در جامعه داشته اند. مضاف بر این، همین وضعیت رکودی در تورم که ناشی از سیاست های انقباضی بوده، در تورم سال های قبل نیز تأثیر گذاشته و مشاهده می کنیم عوامل تأثیر گذار بر اقتصاد، در یک چرخه با یکدیگر در ارتباط هستند و هر کدام بر دیگری تأثیر می گذارند. به همین دلیل، اگر برای رفع رکود و افزایش اشتغال که نیازمند سیاست های انبساطی است، تزریقی در اقتصاد داشته باشیم، احتمال آن که مجدداً شاهد رشد تورم و متعاقباً افزایش مشکلات تولیدی صنایع در کشور باشیم، زیاد است.

با توجه به این مطلب، جهت آن که از مشکل تورم رکودی برای همیشه خلاص شویم، باید به یکسان سازی قیمت ها در تمام کالاها روی بیاوریم و قید پرداخت یارانه به کالاها را در اقتصاد بزنیم.

نظام بانکی و مالیات

مشکلات بانکی ما زیادند و این مشکلات بر کاهش توان و رقابت صنایع تأثیر گذار بوده اند، اما در اقتصاد ما فرهنگ غلطی از گذشته وجود داشته و آن این بوده است که عموماً تولید کنندگان ایرانی، متکی به منابع حمایتی برای تولید هستند و کمتر تولید کننده ای را می توان پیدا کرد که سرمایه اولیه تولید را خود آورده باشد. البته نباید فراموش کرد که مشکلات تأمین مالی بنگاه های تولیدی از طریق نظام بانکی، کم و بیش به سیاست انقباضی بانک مرکزی هم برمی گردند. البته ذکر این مسایل دلیل نمی شود که از نقایص

راستای رشد تولیدات کشور قرار گرفته است.

اما واقعیت چیز دیگری است. برآورد کارشناسان «اقتصاد ایران» نشان می دهد، بدهی های دولت به سیستم بانکی نسبت به محصول ناخالص داخلی، در خلال دهه ۸۰ افزایش داشته و این مسأله علاوه بر اتلاف منابع، فقدان شفافیت در عملکرد مالی دولتی را هم نشان می دهد.

پیشنهادات «اقتصاد ایران»

با توجه به مشکلاتی که بر شمرده شد، پیشنهاد ما در درجه اول درک ایدئولوژی اقتصاد مبتنی بر رقابت است که آن هم چیزی جز حضور مستمر و واقعی بخش خصوصی نیست. خصوصی سازی های اخیر و به اصطلاح "از این جیب به آن جیب کردن"، راه توسعه صنعتی نیست. باید برای گسترش فضای رقابتی در کشور همت بیشتری به خرج داد. از میان برداشتن انحصارات و موانع ورود به بازار، مبارزه با فساد اداری و اقتصادی، شفاف سازی اطلاعات، اصلاح سیاست های پولی، مالی، بانکی و ارزی جهت رونق تجارت داخلی و خارجی، اهمیت دادن به نهضت کاهش قیمت تمام شده و بکار گیری مدیران بنگاه های موفق اقتصادی و تجاری در عرصه تصمیم گیری صنعت، مواردی هستند که می توانند صنعت ایران را به بلوغ برسانند.

بر این اساس پیشنهاد می کنیم کمیته ای تحت نام "کمیته توسعه صنعت"، متشکل از مدیران صنایع برتر بخش خصوصی تشکیل گردد که اجازه تصمیم گیری در عرصه صنعت را داشته باشند. همچنین جهت هماهنگی بیشتر با نهادها و وزارتخانه ها، اعضای دیگر این کمیته می توانند ریاست بانک مرکزی، وزیر صنایع و معادن، وزیر اقتصاد و دارایی و وزیر بازرگانی باشند که هر کدام رأی مساوی با بقیه اعضا داشته باشند. کمیته مزبور می تواند با برگزاری جلسات ماهانه، راه های کمک رسانی به صنایع را ارزیابی کرده و در نهایت آنها را در دستور کار قرار دهد.

به طور قطع، بیان مشکلات صنایع به طور مستقیم و "رو در رو" با افراد مسؤول و تصمیم گیر می تواند بسیاری از دردهای صنعت بیمار ایران را درمان کند. ■

تولید در صنعت توسعه محور هزار تَن

سال	فولاد خام	پتروشیمی	سیمان	خودروی سواری (دستگاه)
۵۷	۳۷۶	۱،۶۰۴	۷،۱۵۰	۱۰۴،۸۹۳
۵۸	۶۳۳	۱،۵۵۴	۷،۶۲۰	۶۸،۷۲۰
۵۹	۵۶۹	۹۲۵	۷،۸۹۵	۷۰،۵۵۳
۷۴	۴،۵۸۱	۸،۷۳۳	۱۷،۴۹۱	۷۵،۶۷۸
۷۵	۵،۸۹۶	۱۰،۳۷۴	۱۷،۸۰۶	۹۴،۴۰۳
۷۶	۶،۰۵۹	۱۰،۸۱۷	۱۹،۳۷۶	۱۳۳،۸۵۱
۸۴	۹،۶۰۴	۱۵،۷۵۶	۳۲،۶۳۴	۸۱۰،۰۰۰
۸۵	۱۰،۲۰۰	۱۷،۹۹۴	۳۵،۳۰۸	۹۱۸،۵۸۳
۸۶	۱۰،۲۹۸	۱۳،۸۷۰	۴۰،۰۲۷	۹۴۳،۳۹۶
۸۷	۱۰،۴۸۳	۳۰،۴۰۰	۴۴،۴۰۰	۱،۰۵۷،۶۳۳

استخراج: واحد تحقیقات «اقتصاد ایران» از بانک مرکزی